

انتقام هولناک از برادرزاده

انتقام آتشین مردی از برادرزاده‌اش، خاطره‌ی یکی از بازپرسان جنایی است که این هفته برای تپش روایت کرده است



سال‌ها قبل بود که زنگ خانه‌ای در حاشیه شهر به صورت ممتد به صدا درآمد، زمانی که مرد صاحبخانه در را باز کرد، با مرد ناشناسی مواجه شد که به شدت دچار سوختگی شده بود. مرد ناشناس با دیدن صاحبخانه بدون آن که حرفی بزند، خودش را در آغوش او انداخت و بی‌هوش شد. صاحبخانه که گیج شده بود با دقت نگاهی به اطراف کرد، ساعت ۱۲ شب گذشته بود و شخص دیگری در آن اطراف دیده نمی‌شد. کمی که دقت کرد، متوجه شعله‌های آتش شد که در چند متری اش زبانه می‌کشید. با هر سختی بود، مرد ناشناس را به داخل خانه برد و به اورژانس و پلیس زنگ زد. دقایقی بعد امدادگران به محل آمدند و مرد سوخته برای درمان به بیمارستان منتقل شد و ماموران پلیس با کمک آتش‌نشانی موفق به اطفای حریق شدند.

حریق عمدی

کشیک قتل بودم که تلفن به صدا درآمد و گزارش آتش‌سوزی خودرو به دنبال آن انتقال راننده به بیمارستان را اعلام کردند. ماموران آتش‌نشانی در همان صحنه اعلام کردند حریق خودرو عمدی بوده و شخص یا اشخاصی قصد قتل راننده را داشته‌اند. اما این که راننده که ظاهر همان مرد سوخته بود چطور موفق شده بود از میان شعله آتش خارج شود و خود را نجات دهد در هاله‌ای از ابهام بود. باتوجه به عمدی بودن حریق و اقدام به قتل راننده، موضوع به کشیک قتل گزارش شده بود.

اقدام به قتل مرد ثروتمند

شماره پلاک خودرو را بلافاصله اعلام کرده و هویت مالک آن شناسایی شد. شهروز، صاحب خودرو و ساکن یکی از محله‌های بالای شهر بود و مهندس جوان وضع مالی خوبی داشت. فرضیه‌های متعددی برای این حریق عمدی مطرح شد و یکی از آنها سرقت بود اما از آنجا که عامل این حریق، خودرو را هم به آتش کشیده بود، فرضیه سرقت رنگ باخت و احتمال قوی‌تر انتقام‌گیری مطرح شد. در تحقیق از خانواده شهروز، مشخص شد مرد جوان به تازگی ازدواج کرده وافرادی آرام و معقول بوده و با کسی اختلاف نداشته است.

ردپای فامیل نزدیک

بررسی‌ها ادامه داشت تا این که شهروز به هوش آمد و پس از بهبود نسبی راز آتش‌سوزی و هویت عامل آن را برملا کرد. او در تحقیقات گفت، روز حادثه راهی منزل شدم که عمویم را کنار خیابان دیدم. عمو پدرم مدت‌هاست باهم اختلاف مالی بر سر ارثیه دارند اما من هرگز در این اختلاف دخالت نکرده‌ام. خودرو را متوقف

کرده و عمویم را سوار کردم تا به مقصدی که می‌خواهد، برسانم. او گفت قصد رفتن به امامزاده در حاشیه شهر را دارد. من هم که نمی‌توانستم به او جواب نه بدهم به سمت آنجا حرکت کردم. در امامزاده نشسته بودیم که عمویم گفت تشنه است و با این ترفند آبمیوه خرید. زمانی که عمویم آمد، من به سرویس بهداشتی رفتم و وقتی برگشتم دیدم عمویم دولیوان پرازمیوه کرده است. من که تصورم را هم نمی‌کردم عمویم چه نقشه‌ای در سر دارد، آبمیوه را خوردم اما بعد از آن حالم بد شد. تنها چیزی که به یاد دارم این است که او مرا سوار ماشینم کرد و پشت فرمان نشست. مرد جوان گفت: دیگر چیزی به یاد ندارم تا این که با حرارت و گرمای زیاد به هوش آمدم و خودم را در میان شعله‌های آتش دیدم. از ماشین بیرون آمدم. تمام لباس‌هایم آتش گرفته بود و با کشاندن خودم روی زمین، موفق شدم آتش لباسم را خاموش کنم. اما سوختگی‌ام شدید بود و نمی‌توانستم راه بروم. حالم خیلی بد بود. به اطراف نگاه کردم و ناگهان چشمم به چراغ‌های روشن خانه‌ای که چند متری با من فاصله داشت، افتاد. خودم را کشان‌کشان به آنجا رساندم و در زدم و بعد هم بی‌هوش شدم.

دستگیری عامل آتش‌سوزی

با اظهارات شهروز، دستور بازداشت عمویم را صادر کردم و کارآگاهان مبارزه با جرایم جنایی برای دستگیری او وارد عمل شدند. گرچه مرد میانسال ابتدا منکر بود اما زمانی که فهمید برادر زاده‌اش زنده مانده و راز آتش‌سوزی را برملا کرده است، لب به اعتراف گشود.

او در تحقیقات گفت: با برادرم سر ملک اختلاف داشتیم. از آنجا که نتوانستیم به خواسته‌ام برسیم، تصمیم به انتقام از برادرم گرفتم. با کشتن پسرش می‌توانستم انتقامم را از برادرم بگیرم. از ساعت رفت و آمدهای شهروز با خبر بودم. روز حادثه سرراش قرار گرفتم و سوار خودرویش شدم. از قبل با خودم قرص خواب‌آور برداشتم و در نهایت او را به امامزاده کشاندم. بعد هم تشنگی را بهانه کردم و آبمیوه گرفتم و زمانی که برادرزاده‌ام به سرویس بهداشتی رفته بود، داخل لیوان آبمیوه‌اش، قرص‌ها را ریختم. برادرزاده‌ام پس از خوردن آبمیوه مسموم و بی‌هوش شد و او را داخل ماشین گذاشتم و خودم رانندگی کردم. به سمت جاده خارج از شهر رفتم و در نزدیکی پرتگاهی توقف کرده و ماشین را به داخل گودالی پرتاب کردم. اما ماشین در سراسیمگی چپ نکرد و اتفاقی نیفتاد. سراغ برادرزاده‌ام و ماشینش رفتم و با چهار لیتر بنزینی که بین راه خریده بودم، ماشینش را آتش زدم. خودم هم در گوشه‌ای به کمین نشستم تا ببینم چه اتفاقی می‌افتد. من شعله‌ور شدن خودرو را دیدم و از آنجا که شهروز بی‌هوش بود با خودم گفتم او داخل خودرو حبس شده و به خاطر سوختگی و خفگی جانش را از دست می‌دهد. هرگز تصور نمی‌کردم از جهنم آتشی که برای او درست کرده‌ام جان سالم به‌در ببرد. فوراً آنجا را ترک کردم و خودم را به خانه رساندم. ابتدا می‌خواستم با صحنه سازی، منکر آتش‌سوزی شوم اما زمانی که فهمیدم شهروز زنده مانده، با این که خودم گرفتار شدم اما از این اتفاق خوشحال شدم. زمانی که خودرو به آتش کشیده شد، پشیمان شدم اما کاری از دستم برنمی‌آمد و حالا خوشحالم که او زنده است و من تبدیل به یک قاتل نشده‌ام. متهم پس از اعتراف به این اقدام هولناک، بازداشت و به زندان منتقل شد تا در دادگاه به این اتهامش رسیدگی شود.



خاطره جنایی

تپش

ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم | ۳
چهارشنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۲ | شماره ۱۰۴۲



هشدار درباره پزشک‌نماهای مجازی

رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات پایتخت درخصوص جولان دلالان و سودجویانی که از طریق فضای مجازی به درآمد می‌رسند، با حيله و نیزنگ بیماران را شکار می‌کنند و در یک چرخه غیرقانونی ویزیت و جراحی نیز انجام می‌دهند هشدار داد. سرهنگ داوود معظمی‌گودرزی در این باره اظهار کرد: متأسفانه امروز، پدیده شوم پزشک‌بلاگرها و پزشک‌نماها که در فضای مجازی و جبهه پزشکان خود را خدشه‌دار می‌کنند، زیاد شده است. این مقام انتظامی با اشاره به این که پلیس فتا هم منطقاً با وظایف خودش در این زمینه در حال ورود است، تصریح کرد: قالب کسانی که در این حوزه وارد شده‌اند کسانی هستند که در زمینه جراحی‌های زیبایی، پیکرتراشی و فیزیوتراپی این کار را انجام می‌دهند و در حالی که ماساژور هستند خودشان را پزشک معرفی می‌کنند. مردم عزیز باید بدانند کسانی که پزشک هستند اغلب در تبلیغات در شبکه‌های مجازی نیاز ندارند اما افراد دلال بیمار و سودجویانی که اصلاً پزشک نیستند و صرفاً از زرق و برق‌های فضای مجازی استفاده می‌کنند اصطلاحاً بیماران را شکار می‌کنند و در یک چرخه غیرمجاز اقدامات پزشکی از جمله ویزیت، جراحی و... انجام می‌دهند. سرهنگ معظمی‌گودرزی با اشاره به این که شبکه‌های اجتماعی محل مناسبی برای خرید دارو نیست و نباید سلامت خودمان را با اعتماد به شبکه‌های اجتماعی تحت‌الشعاع قرار دهیم، افزود: اخیراً پرونده‌ای تحت عنوان استفاده افراد سودجو از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی برای تبلیغات دروغین افرادی که پزشک نیستند داشتیم که خودشان نظرسنجی‌های ساختگی را در فضای مجازی قرار می‌دادند و آنها را پزشک معتمد معرفی می‌کردند که بسیاری از مردم را فریب داده بودند. رئیس پلیس فتای تهران بزرگ خاطرنشان کرد: بسیاری از اوقات با افرادی برخورد کردیم که دارویی ارائه نمی‌دهند بلکه صرفاً با تبلیغات دروغین کلاهبرداری می‌کنند و از طرفی شیانان مجازی بدون توجه به عواقب کار خود اقدام به ارائه داروهای تقلبی و تاریخ‌گذشته در فضای مجازی می‌کنند، لذا نیاز است شهروندان داروهای مورد نیاز خود را از مراکز معتبر و شناخته‌شده خریداری کنند و موارد مشکوک را از طریق تماس با مرکز فوریت‌های سایبری با شماره تلفن ۹۶۳۸۰ یا سایت پلیس فتا به آدرس www.cyberpolice.gov.ir گزارش کنند.

